

آمریکا برای درگیری نظامی با ایران آماده میشود

پیتر سیموندز

۲۰ مارس ۲۰۱۰ (۱ فروردین ۱۳۸۹)

مقاله ی هفته ی گذشته ی روزنامه ی اسکاتلندی ساندی هرالذ یاد آور این حقیقت شوم است که دولت اوپاما راهکار نظامی، شامل حمله وسیع و بدون عذر و دلیل به ایران را منتفی نمی داند.

بنا بر گزارش این روزنامه، ارتش آمریکا در حال انتقال بمب های ضد پناهگاه های عمیق از کالیفرنیا به پایگاه نظامی دیه گو گارسیا در اقیانوس هند برای حمله احتمالی به ایران می باشد. در ژانویه قراردادی برای انتقال ده محموله ی مهمات شامل ۱۹۵ بمب هوشمند بلو ۱۱۰، ۱۹۲ بمب عظیم ۲۰۰۰ پاندی بلو ۱۱۷ که برای نابودی ساختارهای بتون مسلح طراحی شده با شرکت خدمات دریایی بسته شده است.

روزنامه ساندی هرالذ از قول مدیرمرکز مطالعات بین المللی و دیپلماسی دانشگاه لندن، دن پلش، می نویسد « آنها برای نابودی کامل ایران آماده می شوند. امروز بمب های آمریکایی برای نابودی ده هزار هدف در خلال فقط چند ساعت آماده هستند.» بر اساس بررسی سال ۲۰۰۷ این مرکز، برنامه ی جنگی طراحی شده ی پنتاگون در زمان جورج بوش نه تنها مراکز هسته ای بلکه تأسیسات دفاع هوایی، نظامی و صنعتی را نیز مد نظر دارد. هیچ کدام از افراد مصاحبه شده توسط روزنامه حمله آمریکا را قریب الوقوع نمی دانند ولی پلش می افزاید: « این حقیقت که آمریکا ابعاد این آماده سازی را برملا نمی کند تا ایران را بترساند احتمال بروز درگیری را تقویت می کند. آمریکا از نیروهای خود به عنوان بخشی از استراتژی کلی برای شکل بخشیدن به عمل متقابل ایران استفاده می کند.»

با این حال استراتژی کلی اوپاما هر چه بیشتر از پیش در هم گسیخته به نظر می رسد. پس از تعیین ضرب العجل پایان سال برای قبول درخواست های آمریکا، کاخ سفید

حمله ی پیگیر دیپلماتیک برای تصویب مصوبه هایی در سازمان ملل جهت برقراری تحریم های اقتصادی سخت را دنبال می نماید. آمریکا نه تنها نیاز به موافقت اعضای شورای امنیت سازمان ملل دارد بلکه می کوشد موافقت متحدان عرب خود در خاورمیانه را جلب و از عدم حمله نظامی یک طرفه و پیشدستانه ی اسرائیل اطمینان حاصل کند.

چهارشنبه اوباما بار دیگر گفت که آمریکا تحریم اقتصادی شدید بر علیه ایران را دنبال خواهد کرد. ولی آنچنان که روزنامه فاینانشال تایمز گوشزد کرد تلاش برای توافق جهت اعمال تحریم ها، هر چه بیشتر متزلزل به نظر میرسد. امکان تصویب هر گونه قطعنامه در شورای امنیت ۱۵ نفره پیش از ژوئن (خرداد) بعید به نظر می رسد. مخالف اصلی چین است که مرتباً تقاضا برای تحریم های جدید را رد کرده است و مجدداً پنجشنبه گذشته تعهد خود را به حل دیپلماتیک مساله اعلام کرد. پکن ضمن مخالفت با اعمال تحریم های جدید سایر اعضای شورای امنیت نظیر روسیه، برزیل، ترکیه و لبنان را به گرفتن موضع دو پهلو تشویق می کند.

واشنگتن از گروه به اصطلاح ۱+۵ شامل اعضای شورای امنیت، آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین و آلمان به عنوان سکویی برای فشار به چین استفاده می کند. با این حال هیچ گونه گردهمایی رو در رو از ژانویه صورت نگرفته است و برنامه ای نیز در دستور کار نیست. در هفته های اخیر، مقامات بلند پایه اسرائیلی، آمریکایی و این هفته وزیر امور خارجه انگلیس، دیوید میلی باند، از پکن بازدید به عمل آورده اند. تلاش آنها برای جلب رضایت چین با تنبیه تهران با شکست همراه بوده است. عامل عمده در عدم رضایت چین، رابطه هر چه بیشتر متشنج با واشنگتن بر سر موضوعات متعدد می باشد.

مطبوعات آمریکایی و بین المللی به منافع اقتصادی چین در ایران اشاره کرده اند. چین در سال ۲۰۰۹ با تجارت دو جانبه ای معادل ۲۱.۲ میلیارد دلار در مقایسه با ۱۴.۴ میلیارد دلار در سه سال پیش به شریک شماره اول تجاری ایران تبدیل شده است. گر چه پکن برای بیشتر از ۵۰ درصد نفت مورد نیاز خود به عربستان سعودی و آنگولا وابسته است سهم وارداتی از ایران را به ۱۱.۴ درصد افزایش داده و در پروژه های نفت، گاز و سایر پروژه های زیر بنایی سرمایه گذاری می کند. شرکت ملی نفت چین و شرکت فرعی وابسته به آن، پتروچین، بر روی سرمایه گذاری ۸ میلیارد دلاری در یک پروژه ی گازی و دو پروژه ی نفتی موافقت کردند.

تمرکز مطبوعات تنها بر روی منافع چین بر این حقیقت دلالت دارد که دشمنی آمریکا با ایران مربوط به برنامه‌ی مورد ادعای ساختن سلاح هسته‌ای نیست. بلکه واشنگتن از این موضوع برای بلوکه کردن منافع رقبای اروپایی و آسیایی خود و کنترل منطقه غنی از انرژی خاورمیانه و آسیای میانه استفاده می‌کند. تهران مکرراً اعلام کرده است که نه بدنبال ساختن بمب هسته‌ای بلکه مصمم به ساختن برنامه‌ی انرژی اتمی است.

تلاش دیپلماتیک واشنگتن در جبهه‌های دیگر هم به سنگ برخورد کرده است. سفر این هفته‌ی وزیر امور خارجه آمریکا به روسیه نیز با بن بست مواجه شد. ریس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، اعلام کرد که روسیه و ایران در عرض چند ماه آینده پروژه‌ی به تأخیر افتاده‌ی راکتور بوشهر را کامل خواهند کرد. هیلاری کلینتون در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی مشترک با وزیر امور خارجه روسیه، سرگی لاوروف، برنامه تکمیل کردن راکتور نیروگاهی بوشهر را زودرس و نابهنگام خوانده و در اعتراض گفت «ما می‌خواهیم پیغامی صریح به ایرانیان بفرستیم.»

کلینتون امیدوار بود که روسها از تحریم‌های شدیدتر ضد ایران حمایت خواهند کرد. سال گذشته اوباما سیستم ضد موشک‌های دوربرد برنامه ریزی شده برای لهستان و چک را که روسیه به شدت با استقرار آنها مخالف است به این امید کنار گذاشت که روسها از تحریم‌های ضد ایران حمایت کنند. ولی لاوروف روشن کرد که مسکو تنها از تحریم‌های ملایم که مردم ایران را هدف قرار نمی‌دهند و پیامدهای انسانی ندارند حمایت خواهد کرد.

تنش شدید بین آمریکا و اسرائیل که هفته گذشته در سفر جوزف بایدن، معاون رئیس جمهور به اوج خود رسید هم بر استراتژی واشنگتن در قبال ایران تأثیر گذاشت. اعلام ساختن شهرک‌های یهودی جدید در زمان بازدید بایدن یک دهن کجی مستقیم به تلاش آمریکا برای شروع مذاکرات با رهبران فلسطین بود و واکنش شدید بایدن و کلینتون را سبب شد. آمریکا کوچکترین همدردی نسبت به سرنوشت فلسطینیان ندارد. اسرائیل با تضعیف روند دروغین صلح عملاً تلاش آمریکا برای جلب حمایت هم پیمانان عرب شامل، مصر، عربستان سعودی و شیخ نشین‌های خلیج برای پشتیبانی از تحریم‌های ایران و تضعیف رابطه میان سوریه و ایران را در خطر می‌اندازد.

اگر شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های جدید را تصویب نکند، آمریکا تحریم‌های جدید یک جانبه را غیر محتمل ندانسته است. آخر هفته، وزیر امور خارجه فنلاند، الکساندر

استاب، که میزبان وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا بود، اظهار کرد که چنانچه مصوبه ی تحریم های شورای امنیت تصویب نشود موافقت کافی برای اعمال تحریم یک طرفه در اتحادیه اروپا وجود دارد. کنگره آمریکا هم به دنبال تصویب لایحه ای با اختیارات گسترده است که به دولت اجازه میدهد کمپانی های خارجی را که فرآورده های پالایش شده و یا خدمات بیمه ای و دریایی را در اختیار ایران قرار دهند تنبیه کند.

ولی حتی اگر تحریم های یک طرفه ی آمریکا و اتحادیه ی اروپا تصویب شود با مشکلاتی مواجه خواهد شد. اقدام بر ضد فروش بنزین اثرات وخیمی بر اقتصاد ایران که چهل در صد بنزین خود را به خاطر نبود ظرفیت پالایشگاهی کافی وارد می کند خواهد داشت. این عمل زمانی که هنوز واشنگتن امیدوار به تشویق مخالفان سیاسی و تغییر در رژیم ایران است باعث بروز مخالفت های مردمی وسیعی بر ضد اقدامات آمریکا و متحدانش خواهد شد. به علاوه شرکت های چینی ممکن است فروش فرآورده های پالایشگاهی را به ایران افزایش دهند. تحریم های مصوب کنگره ی آمریکا بر علیه تهران تنش با چین را تشدید خواهد کرد.

در حالیکه حرکت های دیپلماتیک اوباما با ناکامی مواجه می شود، بحث و جدل در بین محافل هیئت حاکمه آمریکا در باره اقدامات آتی آغاز شده است. بخشی از برنامه ریزان سیاست خارجی در صورت عدم موفقیت آمریکا در توقف ایران در ساختن بمب اتمی سیاست «بازداری» را پیشنهاد می کنند. مقاله ای مبسوط تحت عنوان «بعد از این که ایران بمب را ساخت» در نسخه ی ماه مارس روزنامه ی با نفوذ «امور خارجی»، سیاستی خشن برای ایزوله کردن ایران را پیشنهاد می کند. این چنین سیاستی نه تنها باعث کاهش تشنج در خاورمیانه نخواهد شد، بلکه آن را تشدید خواهد کرد.

نویسنده گان مقاله، جیمز لیندزی و ری تقیه، ساختن جبهه متفق نظامی در خاورمیانه نظیر سازمان پیمان مرکزی (ستنو) که در سال ۱۹۵۵ بین آمریکا، ایران، پاکستان، ترکیه و انگلیس برای مقابله با شوروی بسته شد را پیشنهاد می کنند که در آن واشنگتن علاوه بر تضمین امنیت متفقین، ظرفیت نظامی آنها را افزایش داده و ملزم به ایجاد خطوط قرمزی شود که شکستن آنها توسط تهران منجر به نابودی اش شود. مقاله تأکید دارد چنانچه تهران این خطوط قرمز را زیر پا گذارد ارتش آمریکا با هر وسیله ممکن از جمله اسلحه اتمی تلافی کند.

آلترناتیو دیگری که مطرح می شود شدت عمل بیشتر و وادار کردن ایران به قبول درخواست های آمریکا می باشد. این مورد در روزنامه نیویورک تایمز و توسط هاوارد برمن رئیس دموکرات کمیته امور خارجی کنگره پیشنهاد شده است . او این چنین اظهار می کند که «قبول این باور که غرب قادر به کنترل و یا بازداشتن تهران از دستیابی به بمب باشد مشکل است. ایران مجهز به سلاح هسته ای سرآغاز دوران خطرناک بی ثباتی در منطقه خلیج و خاورمیانه خواهد بود. اگر دولتهای نافرمان توان سازمان ملل در جهت عمل سریع و قوی را بلوکه و یا محدود نمایند، آمریکا چاره ای جز عمل یک جانبه نخواهد داشت.» او از اوباما میخواهد که تلاش آمریکا را بر اعمال فشار متمرکز کند و اعلام میدارد که مصوبه تحریمی کنگره در طول چند هفته آماده خواهد بود.

آنچه هنوز ناگفته است این است که در صورت شکست تحریم، تنها راه حل حمله نظامی خواهد بود. انتقال بمب های ضد پناهگاه های عمیق به دیه گو گارسیا، به همراه مسافرت ژنرال های بلند پایه آمریکا در هفته های گذشته به خاور میانه و کمک به عربستان و شیخ نشین های خلیج برای تقویت سیستم دفاع موشکی، همه بر مراحل پیشرفته ی تدارکات برای حمله نظامی به ایران دلالت دارد. در حالیکه نتیجه بحث و جدل کنونی در واشنگتن هنوز معلوم نیست، هیچ کس نمی تواند احتمال حمله ی نظامی ماجراجویانه به ایران را منتفی بداند بخصوص که دولت اوباما می کوشد خود را از بحران های رو به افزایش سیاسی داخلی و خارجی برهاند.